

درس هشتم: عقل در فلسفه (۲)

دانش آموزان عزیز توجه داشته باشید این سوالات صرفاً جهت آشنایی شما طراحی شده است لطفاً این مجموعه را در کنار کتاب درسی استفاده کنید.

\*\* درس در یک نگاه \*\*

مفاهیم	توضیحات
عقل نزد حکمای ایران قدیم	ایران، یکی از کانون های اولیه عقل گرایی بوده است و حکیمان، مردم را به خرد دعوت می کردند. آنان هم از عقل به عنوان یک وجود برتر آگاه بوده اند و خدا را عقل نامیده اند و هم به عقل به عنوان دستگاه تفکر اهمیت می داده اند. در اندیشه آنان، آفریدگار، مجموعه جهان را با عقل خود رهبری می کند و خدا جهان را براساس خرد می آفریند مزدا که نام خدای جهان آفرین است، با خرد جانها و جهانیان و خرد انسانها را آفریده است
وضعیت علوم عقلی در دوره تمدن اسلامی	علوم عقلی و به خصوص فلسفه در این تمدن، گسترش فراوان و رشد چشمگیری داشته است. در این دوره تمدنی فیلسوفانی را مشاهده می کنیم که شهرت جهانی دارند و در طراز چند فیلسوف اول تاریخ قرار می گیرند
دو شکل عمده مخالفت با عقل	۱- تنگ و محدود کردن دایره اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن ۲- مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیر اسلامی
پاسخ فلاسفه به شکل دوم مخالفت با عقل	آنان می گویند جدا از اینکه بسیاری از آرای سقراط، افلاطون و ارسطو با آموزه های اسلامی سازگاری دارد، فلسفه دانش و شاخه ای از معرفت است که هر فردی از هر ملت و نژادی می تواند وارد این شاخه از دانش بشود و درباره مسائل آن، که مربوط به هستی و حقیقت اشیا است، بیندیشد و تحقیق کند. دانش فلسفه به معنی پیروی از فیلسوفان نامدار نیست، بلکه به معنای بحث استدلالی درباره حقیقت اشیا است؛ البته همان طور که در سایر شاخه های دانش می توان از آرا دیگران استفاده کرد، در این دانش نیز بهره گیری از دستاوردهای متفکران دیگر ضروری است لکن این استفاده نیز باید همراه با نقد و بررسی سخنان آن فلاسفه باشد
کاربردهای عقل	۱- عقل، به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی؛ ۲- عقل، به عنوان قوه استدلال و شناخت.
نظر فیلسوفان مسلمان در مورد عقل به عنوان موجود برتر	آنان روشن تر و دقیق تر از فیلسوفان یونان مرتبه ای از موجودات را که حقیقت وجودشان مجرد از ماده است، اثبات کرده و نام آن مرتبه را عالم عقول گذاشته اند. از نظر فارابی و ابن سینا اولین مخلوق خدا عقل اول است که موجودی کاملاً غیرمادی است. عقول دیگری نیز به ترتیب از عقل اول به وجود آمده اند. این موجودات مجرد که فوق عالم طبیعت اند و فیض خداوند از طریق آنها به عوالم دیگر می رسد، عالم عقول را تشکیل می دهند
عقل فعال	این عقل، عامل فیض رسانی به عقل انسانهاست؛ یعنی تمام ادراکها و دانش های انسان به مدد این عقل صورت می گیرد. به واسطه این عقل است که انسان مفاهیم کلی را درک می کند. البته این مدد رسانی در باطن وجود انسان صورت می گیرد و برای خود انسان محسوس نیست
نظر فارابی در مورد عقل فعال	مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، مانند آفتاب است نسبت به چشم. همان طور که آفتاب نوربخشی می کند تا چشم انسان ببیند و بینا شود، عقل فعال نیز نخست چیزی به قوه عقلی آدمی می رساند به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می شود و در نتیجه، عقل شروع به فعالیت می کند و به ادراک حقایق می رسد.
مراحل عقل	عقل هیولانی، عقل بالملکه، عقل بالفعل و عقل بالمستفاد
عقل هیولانی	اولین مرحله، عقل بالقوه یا عقل هیولانی نام دارد و آن هنگامی است که انسان هیچ ادراک عقلی ندارد، اما استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد، به طور مثال، نوزادی که تازه متولد شده، گرچه استعداد نوشتن را دارد، اما نمی تواند چیزی بنویسد.
عقل بالملکه	دومین مرحله را عقل بالملکه می گویند. در این مرحله، عقل مفاهیم و قضایای بدیهی را درک می کند، مثلاً می داند که یک چیز نمی تواند هم باشد و هم نباشد. در این مرحله است که انسان آمادگی دریافت علم را پیدا می کند و می تواند دانش ها را کسب نماید.
عقل بالفعل	سومین مرحله، عقل بالفعل نام دارد. در این مرحله، عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار، دانش هایی را کسب کرده است
عقل بالمستفاد	چهارمین مرحله عقل بالمستفاد نام گرفته است، زیرا در این مرحله انسان به طوری بردانش هایی که کسب کرده مسلط است که از هر کدام که بخواهد می تواند استفاده نماید، مانند یک استاد ریاضی که هر مسئله ریاضی را جلوی او بگذارند، به راحتی حل می کند
ایمان ارزشمند	ایمانی ارزشمند است که پشتوانه عقلی داشته باشد. ایمانی که از این پشتوانه تهی است، ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای غلط و اشتباه نیز بکشاند.
راه کسب معرفت از نظر فیلسوفان مسلمان	آنان با اینکه اساس پذیرش هر اعتقادی را استدلال عقلی می دانند، راه کسب معرفت را به عقل منحصر نمی کنند بلکه حس و شهود را هم معتبر می شمارند. همچنین وحی را عالی ترین مرتبه شهود محسوب می کنند از نظر آنان، استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه ما را به حقیقت واحد می رسانند و تأییدکننده و کمک کننده به یکدیگر هستند

۱. کدام دوره به عنوان دوره طلایی در عقل گرایی شمرده می شود؟ دوره تمدن اسلامی
۲. عقل نزد حکمای ایران قدیم را توضیح دهید. ایران، در عهد پیش از باستان یکی از کانون های اولیه عقل گرایی و خردورزی بوده است و حکیمان قدیم ایران، مردم را به عقل و خرد دعوت می کردند. آنان هم از عقل به عنوان یک وجود برتر و متعالی آگاه بوده اند و خدا را عقل نامیده اند و هم به عقل به عنوان دستگاه تفکر اهمیت می داده اند. در اندیشه آنان، آفریدگار، مجموعه جهان را با عقل و خرد خود رهبری می کند و خدا جهان را براساس خرد می آفریند آنان می گفتند که مزدا که نام خدای جهان آفرین است، با خرد و اندیشه جان ها و جهانیان و خرد انسان ها را آفریده است البته این عقل گرایی و خردورزی که در ایران قدیم شکل گرفته بود، به تدریج از قدرتش کاسته شد و در عصر ساسانیان و اواخر این عصر به ضعف گرایید، به طوری که مواردی از عقاید غیرعقلانی در فرهنگ و نظام اجتماعی آنان پدیدار شد.
۳. کدام گزارش ها حاکی از توجه حکیمان ایران قدیم به عقل و خردورزی است؟ گزارش هایی مانند گزارش فردوسی در شاهنامه و سهروردی در کتاب حکمه الاشراق
۴. در اندیشه حکیمان ایران قدیم، خرد با آفریدگار چه ارتباطی دارد؟ آفریدگار، مجموعه جهان را با عقل و خرد خود رهبری می کند و خدا جهان را براساس خرد می آفریند آنان می گفتند که مزدا که نام خدای جهان آفرین است، با خرد و اندیشه جان ها و جهانیان و خرد انسان ها را آفریده است
۵. «مزدا» نزد حکیمان ایران قدیم به چه معنا بود؟ به نظر آنان جهانیان چطور به وجود آمدند؟ خدا جهان را براساس خرد می آفریند آنان می گفتند که مزدا که نام خدای جهان آفرین است، با خرد و اندیشه جان ها و جهانیان و خرد انسان ها را آفریده است
۶. در کدام عصر عقل گرایی که در ایران قدیم شکل گرفته بود، به تدریج از قدرتش کاسته شد و به ضعف گرایید؟ در عصر ساسانیان و اواخر این عصر به ضعف گرایید، به طوری که مواردی از عقاید غیرعقلانی در فرهنگ و نظام اجتماعی آنان پدیدار شد.
۷. وضعیت علوم عقلی در دوره تمدن اسلامی چگونه بود؟ علوم عقلی و به خصوص فلسفه در این تمدن، گسترش فراوان و رشد چشمگیری داشته است. در این دوره تمدنی فیلسوفانی را مشاهده می کنیم که شهرت جهانی دارند و در طراز چند فیلسوف اول تاریخ قرار می گیرند
۸. یکی از عوامل مهم توجه به عقل و عقلانیت و تفکر فلسفی در جهان اسلام چه بود؟ قرآن کریم و سخنان پیامبر اکرم و عترت گرامی ایشان بود
۹. عقل، در فرهنگ عمومی مسلمانان چه جایگاهی به دست آورده بود؟ دعوت قرآن کریم و معصومین به تفکر و آموزه های عقلانی و خردمندانه آنان سبب شد که عقل، در فرهنگ عمومی مسلمانان جایگاه ممتاز و ویژه ای به دست آورده و همواره از عقل به تجلیل یاد شود. همین عامل سبب شد که کمتر شخصیتی را در تاریخ اسلام مشاهده کنیم که در بزرگداشت عقل سخن نگفته باشد.
۱۰. جایگاه ممتاز عقل، سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی چه چیزی شد؟ سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم و دانش در حوزه های مختلف شد و عموم شاخه های دانش، از جمله فلسفه، رشد و پیشرفت فوق العاده ای کردند.
۱۱. دو شکل عمده مخالفت برخی از جریانات فکری با عقل را بنویسید. تنگ و محدود کردن دایره اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن / مخالفت با فلسفه و منطق، تحت عنوان دستاوردی یونانی و غیر اسلامی.
۱۲. آیا در دوره تمدن اسلامی مخالفت مستقیم با عقل صورت می گرفت؟ چرا؟ خیر. در آن دوره، مخالفت مستقیم و صریح با عقل کمتر صورت می گرفت و کسی علیه عقل سخن نمی گفت.
۱۳. شکل اول مخالفت با عقل به چه صورت ظهور کرد؟ توضیح دهید. تنگ و محدود کردن دایره اعتبار و کارآمدی عقل در عین پذیرش آن / در شکل اول، این جریان ها می کوشیدند نشان دهند که برخی روش های عقلی در مسائل دینی کاربردی ندارند و کسانی که از این روش ها استفاده می کنند، مرتکب خطا می شوند و به دین آسیب وارد می کنند.
۱۴. شکل دوم مخالفت با عقل، به چه صورت ظهور کرد؟ توضیح دهید. شکل دوم مخالفت با عقل، به صورت مخالفت با فلسفه ظهور کرد. از ابتدای رشد فلسفه در جهان اسلام تاکنون، همواره کسانی گفته اند که دانش فلسفه از یونان وارد جهان اسلام شده و دربردارنده عقاید کسانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطوست و این عقاید با عقاید اسلامی سازگار نیست
۱۵. فلاسفه در پاسخ به شکل دوم مخالفت با عقل چه می گویند؟ می گویند جدا از اینکه بسیاری از آرای سقراط، افلاطون و ارسطو با آموزه های اسلامی سازگاری دارد، باید توجه کنیم که فلسفه دانش و شاخه ای از معرفت است که هر فردی از هر ملت و نژادی می تواند وارد این شاخه از دانش بشود و درباره مسائل آن، که مربوط به هستی و حقیقت اشیاست، بیندیشد و تحقیق کند. دانش فلسفه به معنی پیروی و تقلید از فیلسوفان نامدار نیست، بلکه به معنای بحث استدلالی درباره حقیقت اشیا است؛ البته همان طور که در سایر شاخه های دانش می توان از آرا و نظرات دیگران استفاده کرد، در این دانش نیز بهره گیری از دستاوردهای متفکران دیگر ضروری است لکن این استفاده نیز باید همراه با نقد و بررسی سخنان آن فلاسفه باشد

۱۶. چرا بهره گیری از دستاوردهای متفکران دیگر باید همراه با نقد و بررسی قوت دلایل ارائه شده باشد؟ زیرا فقط با استدلال است که می توان درباره درستی یا نادرستی یک دانش نظر داد و داوری کرد، نه با یونانی یا ایرانی و یا چینی بودن صاحب آن دانش.
۱۷. کاربردهای عقل نزد فیلسوفان مسلمان را بنویسید ۱- عقل، به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی؛ ۲- عقل، به عنوان قوه استدلال و ابزار شناخت.
۱۸. عقل، به عنوان موجود متعالی را از نظر فیلسوفان مسلمان توضیح دهید. فیلسوفان مسلمان، روشن تر و دقیق تر از فیلسوفان یونان مرتبه ای از موجودات را که حقیقت وجودشان مجرد از ماده است، اثبات کرده و نام آن مرتبه را عالم عقول گذاشته اند. از نظر فارابی و ابن سینا اولین مخلوق خدا عقل اول است که موجودی کاملاً روحانی و غیرمادی است. عقول دیگری نیز به ترتیب از عقل اول به وجود آمده اند. این موجودات مجرد که فوق عالم طبیعت اند و فیض خداوند از طریق آنها به عوالم دیگر می رسد، عالم عقول را تشکیل می دهند.
۱۹. از نظر فارابی و ابن سینا اولین مخلوق خدا چیست و چه ویژگی هایی دارد؟ اولین مخلوق خدا عقل اول است که موجودی کاملاً روحانی و غیرمادی است و عقول دیگری نیز به ترتیب از عقل اول به وجود آمده اند.
۲۰. منظور فیلسوفان مسلمان از عالم عقول چیست؟ موجودات مجرد که فوق عالم طبیعت اند و فیض خداوند از طریق آنها به عوالم دیگر می رسد، عالم عقول را تشکیل می دهند.
۲۱. بیت « غیر این عقل تو، حق را عقل هاست که بدان تدبیر اسباب سماست » به کدام کاربرد عقل اشاره می کند؟ عقل، به عنوان وجودی برتر و متعالی در هستی
۲۲. به عقیده فلاسفه مسلمان عقلی که در انسان هست پرتوی از کدام عالم است و در صورت تربیت چه ویژگی پیدا می کند؟ آنان می گویند عقلی که در انسان هست و به او توانمندی اندیشیدن می دهد نیز پرتوی از همان عالم عقول است که اگر تربیت شود و رشد کند، علاوه بر استدلال کردن، می تواند حقایق را آن گونه که آن موجودات درک و شهود می کنند، بیابد و شهود نماید
۲۳. یکی از عقول عالم عقل « عقل فعال » نام دارد در این باره توضیح دهید این عقل، عامل فیض رسانی به عقل انسان هاست؛ یعنی تمام ادراک ها و دانش های انسان به مدد این عقل صورت می گیرد. به واسطه این عقل است که انسان مفاهیم کلی را می فهمد و درک می کند. البته این مدرسانی در باطن وجود انسان صورت می گیرد و برای خود انسان محسوس نیست
۲۴. فارابی درباره نسبت عقل فعال با دستگاه ادراکی انسان چه می گوید؟ مقام و منزلت عقل فعال نسبت به انسان، مانند آفتاب است نسبت به چشم. همان طور که آفتاب نوربخشی می کند تا چشم انسان ببیند و بینا شود، عقل فعال نیز نخست چیزی به قوه عقلی آدمی می رساند به طوری که فعالیت عقلی برای انسان ممکن می شود و در نتیجه، عقل شروع به فعالیت می کند و به ادراک حقایق می رسد.
۲۵. عقل به عنوان دستگاه تفکر و استدلال را از دیدگاه فلاسفه مسلمان توضیح دهید. آنان عقیده دارند که عقل، ابزار شناخت انسان و وسیله تفکر اوست. این ابزار روشهایی مانند استدلال تجربی، تمثیل و برهان عقلی محض دارد که همه این روشها در محدوده و جایگاه خود معتبر هستند و قابل استفاده می باشند. آنان می گویند ما فرزندان دلیل هستیم و هر نظر و هر مکتب و آیینی را که دلایل استوار عقلی داشته باشد، می پذیریم. ابن سینا می گوید هرکس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد، از حقیقت انسانی خود خارج شده است فارابی و ابن سینا می گویند عقل در هنگام تولد به صورت یک استعداد است که باید تربیت شود تا رشد کند یعنی همان طور که انسان مراحل کودکی، نوجوانی و جوانی را می گذراند و رشد جسمی او تکامل می یابد، عقل نیز با تربیت مرحله طی می کند و کامل می شود.
۲۶. به عقیده فیلسوفان مسلمان کدام راه های عقلی شناخت، در محدوده و جایگاه خود معتبر هستند و قابل استفاده می باشند؟ به عقیده آنان این ابزار روش هایی مانند استدلال تجربی، تمثیل و برهان عقلی محض دارد که همه این روشها در محدوده و جایگاه خود معتبر هستند و قابل استفاده می باشند
۲۷. به عقیده ابن سینا چه کسی از حقیقت انسانی خارج شده است؟ هرکس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد
۲۸. از نظر فارابی و ابن سینا عقل در هنگام تولد به چه صورت است و چگونه کامل می شود؟ آنها می گویند عقل در هنگام تولد به صورت یک استعداد است که باید تربیت شود تا رشد کند یعنی همان طور که انسان مراحل کودکی، نوجوانی و جوانی را می گذراند و رشد جسمی او تکامل می یابد، عقل نیز با تربیت مرحله طی می کند و کامل می شود.
۲۹. به اعتقاد فارابی و ابن سینا، عقل چه مرحله طی کند تا کامل شود؟ چهار مرحله: اولین مرحله عقل، عقل هیولانی، دومین مرحله، عقل بالملکه، سومین مرحله، عقل بالفعل و چهارمین مرحله عقل بالمستفاد است.
۳۰. منظور از عقل هیولانی چیست؟ اولین مرحله، عقل بالقوه یا عقل هیولانی نام دارد و آن هنگامی است که انسان هیچ ادراک عقلی ندارد، اما استعداد و آمادگی درک معقولات را دارد، به طور مثال، نوزادی که تازه متولد شده، گرچه استعداد نوشتن را دارد، اما نمی تواند چیزی بنویسد.

۳۱. **عقل بالملکه را توضیح دهید.** دومین مرحله را عقل بالملکه می گویند. در این مرحله، عقل مفاهیم و قضایای بدیهی را درک می کند، مثلاً می داند که یک چیز نمی تواند هم باشد و هم نباشد. در این مرحله است که انسان آمادگی دریافت علم را پیدا می کند و می تواند دانش ها را کسب نماید.
۳۲. **سومین مرحله ای که عقل باید طی کند تا کامل شود چه نام دارد؟ توضیح دهید.** سومین مرحله، عقل بالفعل نام دارد. در این مرحله، عقل شکوفا شده و به فعلیت رسیده و با تمرین و تکرار، دانش هایی را کسب کرده است.
۳۳. **چهارمین مرحله عقل چه نام گرفته است؟ چرا؟** چهارمین مرحله عقل بالمستفاد نام گرفته است، زیرا در این مرحله انسان به طوری بردانش هایی که کسب کرده مسلط است که از هر کدام که بخواهد می تواند استفاده نماید، مانند یک استاد ریاضی که هر مسئله ریاضی را جلوی او بگذارند، به راحتی حل می کند
۳۴. **به اعتقاد عموم فیلسوفان مسلمان، پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند چیست؟** نیازمند استدلال عقلی است؛ هرچند این استدلال عقلی برای سطوح مختلف جامعه متفاوت است و حجت و دلیل هرکس به اندازه توان و قدرت فکری می باشد.
۳۵. **عموم فیلسوفان مسلمان کدام ایمان را ارزشمند می دانند؟** ایمانی ارزشمند است که پشتوانه عقلی داشته باشد. ایمانی که از این پشتوانه تهی است، ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای غلط و اشتباه نیز بکشاند.
۳۶. **به نظر عموم فیلسوفان مسلمان بهترین ابزار برای تفکر در آیات و روایات چیست؟** عقل بهترین ابزار برای تفکر در آیات و روایات است. ما به کمک عقل در آیات قرآن می اندیشیم و با این تفکر و تدبر، به معارف قرآن پی می بریم. به همین جهت برخی از فیلسوفان، از جمله ملاصدرا و علامه طباطبایی کتاب های بسیار ارزشمندی در تفسیر قرآن نوشته اند و خدمات بزرگی به نشر معارف قرآنی نموده اند
۳۷. **توضیح دهید فیلسوفان مسلمان، کدام راه کسب معرفت را معتبر می دانند(از چه طریقی می توان به حقیقت دست یافت)؟** آنان با اینکه اساس پذیرش هر اعتقاد و آیینی را استدلال عقلی می دانند، راه کسب معرفت را به عقل منحصر نمی کنند بلکه حس و شهود را هم معتبر می شمارند. از این رو، برخی از آنان تلاش می کردند با تربیت خود و تهذیب نفس به معرفت شهودی نیز دست یابند. همچنین وحی را عالی ترین مرتبه شهود محسوب می کنند و می گویند که این مرتبه شهود به پیامبران الهی اختصاص دارد. از نظر آنان، استدلال عقلی، شهود و وحی هر سه ما را به حقیقت واحد می رسانند و تأییدکننده و کمک کننده به یکدیگر هستند؛ گرچه هر کدام روش خاص خود را دارند و از مسیرهای متفاوتی در جست وجوی حقیقت هستند
۳۸. **به نظر فیلسوفان مسلمان، چگونه می توان به معرفت شهودی دست یافت؟** با تربیت خود و تهذیب نفس
۳۹. **به عقیده فیلسوفان مسلمان عالی ترین مرتبه شهود کدام است و مختص چه کسانی است؟** آنان وحی را عالی ترین مرتبه شهود محسوب می کنند و می گویند که این مرتبه شهود به پیامبران الهی اختصاص دارد. انبیای الهی از این طریق به برترین دانش ها و معارف دست می یابند و آن دانش ها را در اختیار انسان های دیگر قرار می دهند.
۴۰. **چرا گاهی احساس می کنیم میان دستاوردهای عقلی ما و داده های وحی تعارض هایی وجود دارد؟ در این گونه موارد چه باید کرد؟** ما انسان ها چون توانمندی های عقلی محدود و متفاوتی داریم، ممکن است در استدلال عقلی و یا در فهم وحی دچار اشتباه شویم و به نتیجه های نادرست برسیم و احساس کنیم میان دستاوردهای عقلی ما و داده های وحی تعارض هایی وجود دارد. در این قبیل موارد باید تلاش علمی خود را افزایش دهیم و از دانش دیگران بهره ببریم تا بتوانیم خطاهای خود را اصلاح نموده و از گمان تعارض میان یافته های عقلی و دستاوردهای وحیانی رهایی یابیم
۴۱. **عبادت با بهره مندی از انواع تعقل چه معنایی می تواند داشته باشد؟** توصیه پیامبر اکرم به امیرالمؤمنین توصیه به عبادت عقلانی است. این توصیه دو معنا می تواند داشته باشد: یکی اینکه انسان اهل تفکر باشد و در نعمت های الهی و جهان خلقت تفکر کند که در این مورد هم احادیث زیادی وارد شده، از جمله اینکه «لعبادة کالتفکیر» «لعبادة کالتفکر». دوم اینکه عبادات و اعمال و رفتار خود را با تفکر توأم کند و با فکر و اندیشه انجام دهد
۴۲. **رساله معراجیه از کیست؟ توصیفات این رساله از پیامبر و امام علی(ع) نشان دهنده چیست؟** ابن سینا/ نشان می دهد که این دو بزرگوار برترین انسان های عاقل و حکیم هستند و قدرت عقلی آنان در بالاترین حد است.
۴۳. **با توجه به شخصیت فلسفی ابن سینا، توصیفات او از پیامبر و امام علی(ع) چه پیامی در بردارد؟** پیام فلسفی این جمله آن است که ابن سینا که خود یک فیلسوف بزرگ است، دین اسلام را یک دین کاملاً عقلانی و منطقی یافته و رهبران این دین را انسان هایی مشاهده کرده که در بالاترین مرتبه عقل و عقلانیت هستند. همچنین گویای آن است که با اینکه وی یک فیلسوف نابغه و یک عقل گرای بزرگ است، اما رسول خدا و امیرالمؤمنین چنان در نظر وی با عظمت و بزرگ هستند که در مقابل آنان کاملاً خاضع است و با آن جمله های زیبا آن بزرگواران را توصیف می کند
۴۴. **عامل اصلی توجه به عقل و عقلانیت در جهان اسلام چه بود؟** قرآن کریم و سیره معصومین

۴۵. مخالفت با عقل در جهان اسلام در چه قالب ها و اشکالی صورت می گرفت؟ چرا؟ مخالفت با عقل به صورت مستقیم کمتر صورت گرفته اما در دو قالب خود را نشان داده است و علت اینکه مخالفت با عقل در اسلام و به خصوص در میان پیروان ائمه کمتر جدی گرفته شده، توجه قرآن کریم و معصومین بزرگوار به عقل بوده است.

۴۶. در مورد رابطه عقل و دین چه تفاوت اساسی میان فیلسوفان مسلمان با رهبران کلیسا وجود دارد؟ رهبران کلیسا، به خصوص در دوره اول قرون وسطی مخالف سرسخت عقل بودند و میان ایمان دینی و عقل، تضاد می دیدند، اما عموم فیلسوفان مسلمان معتقد به همراهی عقل با دین بودند.

۴۷. چرا فیلسوفان مسلمان به دو گروه عقل گرا و تجربه گرا تقسیم نشدند؟ فیلسوفان مسلمان همه توانایی های شناخت، اعم از عقل و حس و شهود و وحی را قبول داشتند و همان طور که افلاطون و ارسطو هم حس و هم قیاس را قبول داشتند، فیلسوفان مسلمان نیز هم حس و هم قیاس عقلی را معتبر می دانند

## سوالات جای خالی

۱. یکی از عوامل مهم توجه به عقل و عقلانیت و تفکر فلسفی در .....، قرآن کریم و سخنان پیامبر اکرم و عترت گرامی ایشان بود.
۲. وقتی تاریخ تمدن اسلامی را مطالعه می کنیم، می بینیم که در این تمدن، علوم ..... و بخصوص ..... گسترش فراوان و رشد چشمگیری داشته است.
۳. جایگاه ممتاز .....، سبب حرکت عمومی مسلمانان به سوی علم و دانش در حوزه های مختلف شد و عموم شاخه های دانش، از جمله فلسفه، رشد فوق العاده ای کرد.
۴. با توجه به جایگاه ممتاز عقل در فرهنگ عمومی مسلمانان، مخالفت ..... و ..... با عقل کمتر صورت می گرفت و کسی علیه عقل سخن نمی گفت.
۵. شکل دوم مخالفت با عقل، به صورت مخالفت با ..... ظهور کرد.
۶. دانش فلسفه به معنی پیروی و تقلید از فیلسوفان نامدار نیست، بلکه به معنای ..... درباره حقیقت اشیا است.
۷. درباره درستی و نادرستی یک دانش عقلی فقط با ..... است که می توان داوری کرد، نه با یونانی یا ایرانی یا چینی بودن صاحب آن دانش.
۸. فیلسوفان مسلمان، روشن تر و دقیق تر از ..... مرتبه ای از موجودات را که حقیقت وجودشان مجرد از ماده است، اثبات کرده و نام آن مرتبه را عالم ..... گذاشته اند.
۹. از نظر ..... و ..... اولین مخلوق خدا عقل اول است که موجودی کاملاً روحانی و غیرمادی است.
۱۰. به عقیده فارابی مقام و منزلت عقل ..... نسبت به انسان، مانند ..... است نسبت به چشم.
۱۱. موجودات مجرد که فوق عالم طبیعت اند و فیض خداوند از طریق آنها به عوالم دیگر می رسد، ..... را تشکیل می دهند.
۱۲. فارابی و ابن سینا می گویند عقل در هنگام تولد به صورت یک ..... است که باید ..... شود تا رشد کند
۱۳. اولین مرحله عقل، عقل ..... یا عقل ..... نام دارد و آن هنگامی است که انسان هیچ ادراک عقلی ندارد، اما استعداد و آمادگی درک ..... را دارد.
۱۴. دومین مرحله، عقل ..... نام دارد. در این مرحله عقل درکی اولی از قضایای ..... پیدا می کند.
۱۵. سومین مرحله، عقل ..... نام دارد. در این مرحله، عقل به ..... رسیده و با تمرین و تکرار دانش هایی را کسب کرده است.
۱۶. چهارمین مرحله عقل ..... نام گرفته است انسان به طوری بر ..... که کسب کرده مسلط است که از هر کدام که بخواهد می تواند استفاده کند.
۱۷. برخی از فیلسوفان مسلمان تلاش می کردند با تربیت خود و تهذیب نفس به معرفت ..... دست یابند.
۱۸. فیلسوفان مسلمان ..... را عالی ترین مرتبه شهود می شمارند که به ..... اختصاص دارد.
۱۹. انبیای الهی از طریق ..... به برترین دانش ها و معارف دست می یابند و آن دانش ها را در اختیار انسان های دیگر قرار می دهند.
۲۰. عموم فیلسوفان مسلمان عقیده دارند که پذیرش هر اعتقاد و آیینی نیازمند ..... است.
۲۱. عموم فیلسوفان مسلمان عقیده دارند ..... بهترین ابزار برای تفکر در آیات و روایات است.
۲۲. عموم فیلسوفان مسلمان عقیده دارند، ایمانی ارزشمند است که پشتوانه ..... داشته باشد
۲۳. فیلسوفان مسلمان راه کسب معرفت را به عقل منحصر نمی کنند بلکه ..... و ..... را هم معتبر می دانند
۲۴. ابن سینا می گوید: هرکس که عادت کرده سخنی را بدون دلیل بپذیرد، از ..... انسانی خارج شده است.
۲۵. به عقیده فیلسوفان مسلمان ایمانی که از پشتوانه ..... تهی است، ارزش چندانی ندارد و چه بسا انسان را به سوی کارهای غلط نیز بکشد.